

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۲۱ جنوری ۲۰۱۷

انتقام پوتین



قدرت های بزرگ برای خود اجازه می دهند که در امور سایر کشور ها مداخله و تجاوز نمایند، لکن دخالت در امور خود را نمی پذیرند. سوسیال امپریالیسم شوروی بر هنگری، چکوسلواکیا و افغانستان لشکر کشی نمود و سال ها این کشور ها را در اشغال نگهداشت. حال که امریکا و ناتو بنای مداخله مخفی و یا علنی را در روسیه دارد، سران کرملین بنای داد و فریاد را گذاشته اند. امپریالیسم امریکا که در ویتنام، افغانستان، عراق، لیبیا و سوریه تجاوز نموده و دخالت در امور کشور های امریکای لاتین و جنوبی را حق طبیعی خود می داند، حال به ارتباط حمله سایبر روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ این کشور، به مرحله جنون رسیده است. هریک ازین دو کشور به بهانه دفاع از سوسیالیسم، دموکراسی و حقوق بشر به کشور های مورد نظر تجاوز نموده و خود را مستحق هر گونه خطا کاری می پندارند. مردم کشور های اشغال شده حق دفاع از خود را ندارند و گرنه به نام تروریست محکوم می شوند. با این مقدمه می خواهم که به اصل مطلب برگردم و بحران در روابط امریکا و روسیه را در چند ماه اخیر مورد تبصره قرار دهم.

بعد از پیروزی ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ امریکا که برای همه حیرت انگیز بود، دستگاه های استخباراتی امریکا واقعی و یا جعلی گزارش دادند که روسیه کمپیوتر حزب دموکراتیک امریکا را هک کرده و ایمیل های هلری کلنتن را افشاء نموده تا انتخابات به نفع ترمپ تمام شود. دولت امریکا روسیه را به حمله سایبر متهم ساخت که منجر به اخراج یک عده از کارکنان روسی و بسته شدن منازل آنها گردید. پوتین با خونسردی این اقدام یک جانبه امریکا را تحمل کرد و اقدام بالمثل از خود نشان نداد. سرانجام ترمپ هم پذیرفت که روسیه در انتخابات ریاست جمهوری امریکا مداخله نموده است، لکن از خود کدام هیجان خاصی بروز نداد. جریان سردی در روابط روسیه و امریکا باعث شد که محققان سیاسی سیر تاریخی حادثه را تعقیب نمایند و دلایل خصومت پوتین را با هلری کلنتن بیابند.

روسیه بارها از مداخلات آمریکا در امور داخلی روسیه شکایت نموده است. اکثر تحلیل‌گران روسی به این عقیده اند که اضمحلال شوروی و هرج و مرج ناشی از آن سبب گردید که آمریکا ازین حادثه غم‌انگیز تاریخی سوءاستفاده نموده و با مداخلات مخفیانه روسیه را زیر فشار قرار داده تا تسلیم غرب شود. روسیه معتقد است که حتی تا همین لحظات آمریکا از دخالت پی‌در پی در امور روسیه خوداری نمی‌ورزد و سعی می‌دارد که روسیه را بیشتر به سوی تجزیه بکشانند و این کشور را کاملاً از پا اندازد. عروج پوتین در صحنه سیاسی روسیه، صحنه را تغییر داد. پوتین قاطع‌تر با آمریکا و ناتو برخورد می‌کند و با مداخله و پیشروی ناتو به سوی سرحدات روسیه با شدت عکس‌العمل نشان می‌دهد. جهان در جریان بحران اوکراین و الحاق کریمه به روسیه، پوتین را شناخت که یک فرد عادی نیست و آمریکا نمی‌تواند مانند دوره پالتسین دست‌آزاد در مداخله خود در امور روسیه داشته باشد. در واقعیت، بحران اوکراین به آمریکا و ناتو هشدار داد که پوتین را نباید ساده پنداشت.

روسیه شکوه دارد که آمریکا و بالاخص شخص هلری کلنتن که در چها سال اول اداره اوباما به حیث وزیر خارجه این کشور ایفای وظیفه می‌کرد، بارها دست به تحریکات زده و مردم را به قیام علیه زعامت کریملین تحریک کرده است. زمانی که تظاهرات مردم در مسکو علیه پوتین به راه افتاد، پوتین دانست که در عقب این تحریکات کی بوده است: شخص هلری کلنتن وزیر خارجه اوباما. هلری کلنتن انتخابات ۲۰۱۱ روسیه را مورد انتقاد قرار داده و آن را متقلبانه و غیر منصفانه خواند. این گفتار کلنتن از نظر گاه پوتین مداخله مستقیم در امور داخلی روسیه تلقی گردید که باعث تحریکات و تظاهرات مردم علیه شخص پوتین و نظام بر سر اقتدار شد. کلنتن آشکارا متذکر شد که "مردم روسیه حق دارند که اعتراض نمایند. رأی مردم باید شمرده شود. این حق به معنای اینست که آنها مستحق انتخابات سالم، منصفانه و شفاف هستند و رهبران درین قسمت مسؤلیت دارند". این صحبت هلری کلنتن برای پوتین بسیار آزاد دهنده بود. هر باری که آمریکا به یک طریقی در امور روسیه دخالت می‌کند، رهبران کرملین حساس‌تر و مصمم‌تر در دفاع از منافع روسیه شده تا به هر نحو ممکن طرح‌های آمریکا را خنثی سازند.

زمانی که هلری کلنتن وزیر خارجه اوباما تعیین گردید، توظیف شد که روابط آمریکا و روسیه را از نو تنظیم کند. کلنتن متوقع بود که می‌توان با میدیویف رئیس‌جمهور نسبت به پوتین بهتر معامله کرد. پوتین و میدیویف هر چند سالی ریاست جمهوری و صدرات را با هم تعویض می‌کردند. طبق گزارشات غیر رسمی، کلنتن به میدیویف پیشنهاد کرده بود که اگر او پوتین را از صحنه دور کند، حمایت آمریکا را خواهد داشت. کلنتن همچنان از میدیویف خواهش کرده بود که این موضوع را با پوتین در میان نگذارد. لکن میدیویف پیشنهاد هلری کلنتن را به پوتین گفت. میدیویف فهمید که پوتین قبلاً از طریق دستگاه استخبارتی خود از صحبت کلنتن با وی آگاه شده بود. اگر میدیویف پیشنهاد کلنتن را در مورد از صحنه کشیدن پوتین نزد خود نگه می‌داشت، شاید به قمیت حیاتش تمام می‌شد. این حادثه و بعداً جریان انتخابات ۲۰۱۱ و سخنان مداخله‌گر هلری کلنتن، عقده حقارت و خصومت پوتین را نسبت به هلری کلنتن افزایش داد. مزید بر آن، تجاوز ناتو به لیبیا و به خاک و خون کشاندن شخص قذافی که همه جهان را تکان داد، چهره خشن و ضد بشری هلری را به نمایش گذاشت. هلری در جریان مرگ قذافی با خوشی نعره کشید و با استهزاء گفت: ما آمدیم، ما دیدیم، او مرد". پوتین با مشاهده جسد خون‌آلود قذافی که توسط وحشیان مذهبی و عمال غرب در جاده‌ها کش می‌شد، بغض و عقده‌اش نسبت به آمریکا و خاصتاً هلری کلنتن دو چند بالا رفت. بایست یادآور شد که انهدام عراق و لیبیا یک ضربه کاری به روسیه بود که در زمان حیات شوروی هر دو کشور را در آغوش خود داشت. آمریکا و ناتو به روسیه فهماندند که ما متحدین تو را نابود می‌سازیم و تو نسبت ضعف سیاسی، نظامی و اقتصادی ات کاری کرده نمی‌توانی. همین بود که روسیه با قطعیت تصمیم گرفت که در قدم اول آمریکا و ناتو را در اوکراین شکست دهد و بعداً سوریه

را از دام غرب برهاند و امریکا را به عقب نشینی وادار سازد. هلری کلنتن از تبلیغات ضد پوتین تا آخر دست نکشید. چنانچه در یک محفل جمع آوری پول در مورد الحاق کریمیه به روسیه گفت: "این عمل پوتین مشابه عملکرد هتلر در دهه ۱۹۳۰ است". طرز کلام هلری پوتین را بسیار عصبانی ساخت و عقده حقارت و انتقام را در دل او بیشتر جا داد. روز انتقام پوتین فرا رسید. ۸ نومبر ۲۰۱۶، روز پوتین بود که هلری کلنتن را از یک برد حتمی محروم ساخت و او را با بی عزتی در یک کنج تاریخ پرتاب کرد. تصور کنیم که پوتین به هک کردن کامپیوتر حزب دموکراتیک موفق شده و ایمیل هلری را افشاء نموده است، این خود یک سرشکستگی برای امریکا تلقی می شود که همیشه از قدرت والای علمی و تکنالوژی بی مانند خود و از عقب ماندگی روسیه در همه جهات حرف می زند. چطور ممکن شد که یک کشور عقب مانده ای مانند روسیه که به عقیده امریکا هیچ تولید کارآمدی ندارد، این کشور معظم را در ساحة تکنالوژی کامپیوتر عقب بزند و سیستم انتخاباتی اش را دگرگون سازد؟ اکثر صاحب نظران به این عقیده رسیده اند که ارزیابی امریکا از سیر تکامل روسیه در ۲۰ سال اخیر نادرست از آب برآمده است. پس معلوم می شود که روسیه نه آنقدر ضعیف است که امریکا تصور می کرد و نه آنقدر از نگاه علمی ناتوان است که نتواند امریکا و ناتو را به حیرت اندازد. پوتین انتقام خود را از هلری گرفت و او را حد اقل در مقطع کنونی از صحنه سیاسی امریکا بدر کرد.